

همراه با برنده جایزه بوکر ۲۰۱۹ و آمریکایی که تصویرش هم سخت است

سفر به ضد زن‌ترین سرزمین ادبیات

نیما اکبرخانی
داستان‌نویس

✎ خانم‌مارگارت اتوود، نویسنده، شاعر، فعال سیاسی و فمینیست معروف کانادایی یکی از سیاه‌ترین، آزاد‌هنده‌ترین، نفسگیرترین و محبوب‌ترین رمان‌های «ضدآرمان‌شهر»ی دنیا را نوشته که آن قدر در دنیا فروخته و دست به دست شده و اقتباس سینمایی و تلویزیونی پیدا کرده و در فهرست‌های متعدد نویسنده‌ها و ویراستارها و شخصیت‌های معروف کتابخوان قرار گرفته که صرفاً نوشتن همه این‌ها از حوصله و توان این مطلب و نگارنده آن خارج است.

داستان با کتاب «سرگذشت ندیمه» در سال ۱۹۸۵ شروع شد و توانست به سرعت واژه جدیدی در اذهان کتابخوان‌های دنیا اضافه کند، «گیلیاد». گیلیاد همان جایی است که ما امروزه به نام «ایالات متحده آمریکا» می‌شناسیم و این روزها با اخبار انتخاباتش و نبرد فیل و الاغ‌شان همه ملت را خفه کرده است. در آنجا این نظام فعلی آمریکا با انقلابی که بیشتر شبیه کودتاست کله با می‌شود و حکومت به دست «بنیادگرهای مسیحی» می‌افتد.

از اینجا به بعدش را چشم‌تان روز بد ببیند. ضدآرمان‌شهری که خانم اتوود خلق کرده‌اند اگر ترسناک‌تر از نسخه‌های هم‌ژانر خودش مثل «۱۹۸۴» از جورج اورول یا «دنای قشنگ‌نو» از مرحوم آلدوس هاکسلی نباشد، کمتر هم ترسناک نیست. هرچند الان هرچه با خودم مرور می‌کنم این یکی ترسناک‌تر است.

سرگذشت ندیمه، ضدآرمان‌شهر و تراژدی است و داستان ندیمه‌ای است از دنیای گیلیاد که سرگذشتش را می‌گوید. اما گیلیاد و وحشت‌هایش و داستان برمی‌گردد به تضییع حقوق زنان. بالاتر هم گفتم خانم اتوود فمینیست حسابی معروف و اسم و رسم‌دار است و خلاصه از کوزه همان برون تراود که در اوست.

زنان در گیلیاد از آموزش خواندن و نوشتن محروم شده و چه خوش‌شان بیاید چه نیاید طبقه‌بندی می‌شوند در چند دسته. همسران فرمانده‌ها، مارتاها، عمه‌ها، زنان اقتصادی و دست‌آخر «ندیمه‌ها». جامعه‌ای ساخته شده که بسیار منسجم است، جنگ‌جوست، منظم است و خلاصه همه چیز سر جای خودش است.

راوی داستان «ندیمه فرد» است که سعی می‌کند خاطراتش را روی نوارهایی ضبط کرده و از گیلیاد به کانادا قاچاق کند و زمانی که خواننده با این روایت از فردی در پایین‌ترین قسمت هرم

طبقاتی جامعه روبه‌رو می‌شود؛ درمی‌یابد اوضاع آن‌طوری هم که گیلیاد سعی می‌کند جلوه دهد، نیست.

کتاب تراژدی است، از آن درست و حسابی‌هایش و تا دلتان بخواهد تلخ است. اما این حرف مرا به عنوان ضعف تلقی نکنید و از آن دوری نجوید که آن وقت قطعاً از زبان‌کنندگان خواهید بود. بالاخره جامعه‌ای که روبه‌قهقرامی‌رود و نویسنده‌ای که سعی دارد هشدار دهد، چاره‌ای جز خلق فضاهایی سیاه و افسرده نداشته و ندارد. کتاب حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و اگر کمی تاریخ قرن بیستم اروپا خوانده باشید به راحتی درمی‌یابید که کار کاملاً علمی است و با تخیل صرف نوشته نشده است.

مثلاً نوع قبضه کردن حکومت را در گیلیاد که خواندید نگاهی بیندازید به این که نازی‌ها و در رأس‌شان آدولف هیتلر چگونه در دهه ۳۰ میلادی آلمان را بلعیدند و نتیجه‌اش شد همانی که خودتان می‌دانید. اگر نمی‌دانید نتیجه‌اش چه شد و اگر سن شما از ۱۵ گذشته است باید بگویم افسوس و البته صد و واولا به حال ما و نظام آموزشی‌مان! بگذریم.

✎ ۳۴ سال بعد از سرگذشت ندیمه

۳۴ سال بعد خانم نویسنده، کتاب دیگری را به ناشر سپرد به نام «وصیت‌ها». که در ایران هم به‌تازگی ترجمه شده و می‌توانید تهیه‌اش کنید.

کتاب در همین زمان خودمان جریان دارد و متأسفانه گیلیاد مخوف و آدم‌هایش هنوز هم سرپا هستند، اما راوی داستان دیگر آن ندیمه کتاب قبلی نیست. باز هم به صورت خاطرات و یادداشت‌ها نوشته شده است و حال‌وهوای همان کتاب قبلی را برای خواننده تداعی می‌کند. اما روایت روی دوش چند نفر دیگر می‌گردد که خواننده حتماً «عمه لیدی» را خوب و درست و حسابی از کتاب قبلی یادش هست.

این به یاد آوردن را تا آنجا که نگارنده پرس‌وجو کردم در همه کسانی که خوانده بودند شایع و مشترک بود. البته اقلیتی نه‌چندان محدود هم داشتیم که نه تنها خوب یادشان بود که شب‌ها کابوس عمه لیدی را هم می‌دیدند.

از جسارت نویسنده همین بس که روایت را روی دوش یکی از سیاه‌ترین آدم‌های تاریخ ادبیات می‌گذارد و اجازه می‌دهد او هم قدری داستان بگوید. از سوی دیگر نویسنده، داستانی خلق

می‌کند که ضربه‌ای خوبی دارد و هیچ کجایش خواننده را کسل نمی‌کند و بسیار راحت می‌توان با داستان همراه شد و اگر سرعت مطالعه متوسطی داشته باشید حدوداً در دو روز کتاب را می‌خوانید.

تقسیم‌کل داستان روی دوش چند راوی و دیدن کلیت وقایع با چندین و چند دیدگاه متفاوت هم از جذابیت‌های دیگر داستان است که نویسنده توانسته با تدوین کردنی ستودنی آن را ارتقا هم بدهد و همه داستان‌ها را عملاً با هم و همزمان پیش ببرد.

من آن قدری که بلد بودم از این دو کتاب ستودنی تعریف کردم و سعی کردم خواننده را تشویق کنم به خواندنشان. اگر قانع نشده‌اید و خوشتان نیامده هم باید بگویم، ادامه این مطلب درباره معرفی کتاب‌ها و دادن آدرس ناشر و مترجم است. اگر نمی‌خواهید بخوانید، خواندن ادامه این متن را رها کنید.

✎ اتوود در ایران

کتاب «سرگذشت ندیمه» را می‌توانید از نشر ققنوس تهیه کنید با ترجمه آقای سهیل شمی به قیمت ۶۵ هزار تومان. همین‌طور هم به صورت دیجیتالی روی کتابخوان فیدیبو قابلیت انتخاب دارید بین همین نسخه با قیمت ۴۵ هزار تومان و نسخه صوتی کتاب با گویندگی سرکار خانم مینو طوسی با قیمت ۲۳ هزار تومان. این هم که نسخه صوتی کتاب از نسخه الکترونیکی آن ارزان‌تر است، از عجبای مملکت ماست. انگار آن خانم گوینده و استودیو، تشکیلات ضبط و تدوین و... پولی که نگرفته‌اند هیچ، یک چیزی هم داده‌اند که من و شما و ناشر خیرش را ببینیم!

کتاب دوم یعنی «وصیت‌ها» را از آن روی که همه می‌دانستند خواهد فروخت، توسط هشت انتشارات به فارسی ترجمه شده است. دقیق‌ترش را بخواهم عرض کنم، فروش، ققنوس، ثالث، جمهوری، گویا، ارتباط برتر، سنگ و روزگار و برای این که به مالکیت معنوی یکدیگر هم احترام بگذارند نام کتاب را گذاشته‌اند: کتاب عهد و وصیت، وصیت‌ها، شواهد، شهود و اعترافات. خلاصه همه جورهاش هست.

همین‌طور می‌توانید نسخه الکترونیک آن را هم از فیدیبو تهیه کنید که آنجا بین دو نسخه کتاب مختار خواهید بود. بنده هم همانجا نسخه انتشارات «ارتباط برتر» با ترجمه خانم نازنین فتح‌اللهی را خواندم به قیمت ۱۹ هزار تومان.

توصیه آخر هم این‌که در این ایام کرونا، سعی کنید از کتابفروشی‌ها به صورت غیرحضور خرید کنید تا خودتان و خانواده‌تان خدای ناکرده به خطر نیفتید و همه با هم این مسیری که فعلاً می‌رویم تا کادر درمان را با کمک کرونا شکست بدهیم تغییر داده و برویم با کمک کادر درمان، کرونا را شکست دهیم.

اگر نسخه‌های الکترونیک را بخوانید هم علاوه بر این که به راحتی و سهولت همیشه با شماست، هم من می‌دانم و هم شما که امکان ندارد «گوشی‌هوشمندتان» را لحظه‌ای از خود دور کنید، درخت هم کمتر قطع خواهد شد.

